

تاریخ نشر | د خپږیدو نیټه: 08.03.2012

اولین وظیفه دولت حمایت از جامعه در برابر آشوب داخلی و خطر خارجی و دومین وظیفه دولت حمایت از فردی جامعه در برابر بی عدالتی و ظلم و تعدی سایر افراد و سومین وظیفه دولت حمایت از نهادهای عمومی است که بتوانند بزرگترین نفع را به کل جامعه برسانند.»

(آدام اسمیت)

بام خداوند شمانده مهربان و توانا

حزب وطن- نظام آینده افغانستان

(طرح پیشنهادی)

به اثر جنگ های طولانی در کشور نظام سیاسی و اکثریت ساختار های زیر بنائی و روبنائی حاکمیت تخریب گردیده، تناسب حدود صلاحیت و مسئولیت، همکاری و هماهنگی میان قوای ثلاثه دولت برهم خورده و جریان انکشاف با رکود و فروپاشی مواجه میباشد. بحرانی شدن وضع امنیتی و سیاسی بصورت عام و وضعیت فاجعه بار اقتصادی و اجتماعی اکثریت اتباع کشور بطور خاص، مبین آنست که نظام سیاسی موجود کشور با شرایط امروزی پروسه رشد و تکامل کشور های کمترین رشد یافته وبا خواست های بر حق اکثریت اتباع (امنیت، حاکمیت، احیا، بازسازی و انکشاف) کشور سازگار نیست و نمیتواند متضمن تأمین صلح، ثبات و انکشاف پایدار ودایمی و یا به حرف دیگر متضمن بیرون رفت کشور از حالت نا بسامان و هرج و مرج سیاسی- نظامی و اقتصادی- اجتماعی فعلی باشد.

اگر چه نظام سیاسی موجود به کمک و مساعی ملل جهان مطابق به توافقات کنفرانس بن (آلمان- ۲۰۰۱) فورملبندی و تهداب گزاری گردید و قدرتهای بزرگ جهانی بشمول موسسات تخصصی سازمان جمیله ملل متحد و سازمانهای بی شماری بین المللی دیگر عملاً در افغانستان حضور پیدا

نموده و اجندای کاری ایشانرا در مجموع کمک به امنیت، ثبات، احیا و بازسازی همه عرصه های زنده گی اجتماعی و اقتصادی، اعمار و تهداب گذاری یک دولت مرکزی در افغانستان تشکیل میدهد. اما متأسفانه تا امروز که از آن تاریخ مدت بیشتر از ده سال میگذرد نتایج بدست آمده، طی این مدت طولانی درخصوص تهداب گذاری یک نظام سیاسی مشخص، تأمین نظم و ثبات، اعمار و بازسازی انستیتوت های دولتی و حکومتی، ایجاد انستیتوت های مبرم اجتماعی- رفاه عامه، تعلیم و تربیه، عرضه خدمات اولیه اجتماعی، معاونت به تسریع پروسه استقرار سلطه و حاکمیت دولت و حکومت مرکزی در ولایات، شهرها، ولسوالیها و قراوقصبات، ایجاد سیستم ارتباطی و رهبری کننده واحد های اداری به شکل عمودی و افقی و... که اینهمه و همه دلایل ضرورت حیاتی و تعهد حضور جامعه جهانی را در کشور ما احتوا مینماید قناعت بخش نیست.

برخلاف نامیدی مطلق ای مردم ما نسبت به امروز و فردا کشور از یک سو و از سوی دیگر سیاست های فوق العاده پیچیده و تاریک و نهایت مبهم ای جهان قدرتمند امروز در افغانستان و علاوه برآن برخورد و تجدید نظرهای جدید نیروهای ائتلاف مبارزه علیه تروریسم بین المللی تحت رهبری ایالات متحده امریکا و قوت های نظامی معاونت به امنیت و بازسازی - ایساف - ناتو، مبارزه داغ علیه تروریسم جهانی را به بن بست مواجه نموده است.

در عین حال ضعف و نا توانی ها در کیفیت و ظرفیت علمی و پراکتیکی مجریان و سازنده گان نظام سیاسی برای افغانستان سبب نابسامانی و هرج و مرج های سیاسی- نظامی و از دست دادن مشروعیت ملی و بین المللی نظام سیاسی فعلی شده اند.

علل بحران فعلی را میتوان بطور عام در نکات زیر دریافت:

۱. منتفی ساختن و در حاشیه راندن روشنفکران وطنپرست، نیرو های متفکر و سازنده، اشخاص با رسوخ ملی، تکنوکراتهای افغانستان و عدم احترام به رسم و عنعنات ملی افغانها از طرف جامعه جهانی- مبتکرین طرح کنفرانس بن (آلمان- ۲۰۰۱).
۲. انتصاب نماینده گان تنظیم های مسلح - هفت گانه و هشت گانه و تعدادی از نماینده گان جنبش طالبان (گویا طالبان معتدل) و اکستریمست های چپ (ماوئیستی) در کرسی های رهبری نظام سیاسی مطابق به فیصله های کنفرانس بن (آلمان- ۲۰۰۱) نسبت سمپاتی و ارتباط های دوران جنگ سرد، بدون در نظر گرفتن توانایی، لیاقت، سیکالوژی، طرز تفکر، تجربه و هنر رهبری و محبوبیت در جامعه در وجود این اشخاص انتصاب شده.

۳. عدم احساس وطن پرستی، درک مسئولیت تاریخی و روحیه خدمت‌گزاری به هموطنان در وجود اکثریت مطلق این کادر های دولتی - چنانچه اختلاس، رشوت، سوءاستفاده و چپاول بیت‌المال، قانون شکنی و زور گوی همین اشخاص امروز در وطن بیداد میکند.
۴. معلومات خیلی ضعیف و ناچیز جامعه جهانی و یا کم ارزش دادن به ارتباطات، حمایت و تمویل این اشخاص و تنظیم ها مربوطه ایشان با گروههای مسلح، سازمانهای استخباراتی،
۵. ایدیو لوژیکی افراطی، سیاسی و اقتصادی کشور های همسایه، منطقه و جهان از طرف مبتکرین کنفرانس بن (آلمان - ۲۰۰۱).
۶. ناتوانی، عدم تفاهم و هماهنگی جامعه جهانی (سازمان جمیله ملل متحد ونیروهای ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریزم تحت رهبری ایالات متحده امریکا، کشور های اروپایی، سازمان نظامی ناتو و پارتنر های سازمان مذکور) در بوجود آوردن ثبات و امنیت و طرح یک ستراتیژی واحد برای تهداب گذاری، اعمار و احیای یک نظام سیاسی پایدار و طرح یک پلان مناسب و حقیقی انکشاف اجتماعی - اقتصادی افغانستان.
۷. اشتباهات نظامی غیر قابل توجیه جامعه جهانی در استفاده از میتود های اشتباه آمیز، غیر علمی و مسلکی در خلع سلاح سازی و سلطه تنظیم ها و گروه های مختلفه مسلح.
۸. اشتباهات میتودیک نظامی - سیاسی در بوجود آوردن امنیت و ثبات، بدون در نظر گرفتن خصوصیت های پیچیده اراضی جغرافیائی فوق العاده عارضه دار و مشکل کشور ما.
۹. تلاش سیاسی و مصلحتی درجهت تامین و ایجاد ثبات و امنیت ساحوی نه سرتاسری در افغانستان - نیرو های ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریزم در اجرای عملیات داغ جنگی عین اشتباه را در تلاش های نظامی تمثیل و تکرار نموده و مینمایند یعنی اجرای عملیات نظامی در ساحات محدود افغانستان نه در سرتاسر افغانستان و در عین حال خلا و ضعف فاحش نظامی امنیتی در ستر سرحدات با کشور ایران و پاکستان - این در حالی است که نسبت به شرایط عینی اراضی وسیع سرحدی کشور ما با این دو کشور بدون کنترول و باز می باشد.
۱۰. موجودیت اتباع خارجی نه تنها در ادراک دولتی، حکومتی و پارلمان بلکه قشر عظیمی از گویا کارگران و کسبه کاران خارجی که بدون داشتن اسناد هویت حقوقی، سیاسی و بدون ثبت و راجستر در ولایات، شهرها و قریه جات وحتى در شهرکابل غیر قانونی زنده گی، کار و فعالیت دارند.
۱۱. موجودیت هسته ها و شبکه های فعال سازمانهای ایدیولوژیک افراطی رادیکال مخرب کشور های همسایه در مرکز و ولایات افغانستان.

۱۲. فقدان قوانین و مراجع مسئول نظارت از فعالیت های دولت و حکومت در افغانستان - عدم اعتماد و احترام و فقدان قوانین و انستیتوت نظارت از تطبیق قانون اساسی و نورم های حقوقی جاری موجود - عدم بازرسی حقوقی.
۱۳. عدم درک وظایف و حدود مسئولیتهای ارگان های ثلاثه دولت از قانون اساسی - بی اعتمادی، نفاق و عدم هماهنگی و همکاری های لازمی و ضروری بین قوای ثلاثه دولت در کشور.
۱۴. تضاد میان قانون اساسی و ایدیولوژی حاکم یعنی جهان بینی حکمرانان افغانستان.
۱۵. وجود مراکز مختلفه تصمیم گیری داخلی و خارجی در جلب و نصب اشخاص و کادر های دولتی و حکومتی در مرکز و ولایات حتی در قرا و قصبات.
۱۶. فاصله گرفتن و دوری جستن کادر های دولتی و حتی پارلمان - نماینده های گویا مردم از اهالی منتخبه - اتباع کشور.
۱۷. عدم اعتماد، احترام و محبوبیت اکثریت کادر های دولتی و حکومتی در مرکز و ولایات در بین مردم و اهالی.
۱۸. نبود یک اداره بخصوص حقوقی ثبت و راجستر، کنترول و نظارت مالی از کمک ها و وام های خارجی. دست برد و سؤاستفاده شخصی و گروهی اشخاص دولتی و سران تنظیم های مسلح.
۱۹. نا باوری سراسری و عدم اعتماد به پایدار بودن رژیم، به تحقق پروسه باز سازی و اعمار جامعه، حتی در رده های بالائی حاکمیت سبب گردیده است تا دست برد و غارت هست و بود این کشور توسط قدرتمندان و اشخاص نزدیک به حاکمیت و نیرو های خارجی یک عمل مطلقاً عادی شمرده شود - موجودیت حلقات مافیائی دولتی.
- بدین ترتیب ده ها و ده ها علت دیگر را میتوان بر شمرد.
- این حاکمیت از هیچ نوع مشروعیت سیاسی و ملی و حتی مشروعیت نسبی بین المللی برخوردار نمیشد و نظر به شاخص های قبول شده بین المللی - افغانستان امروز یکی از جمله فقیرترین، مفسد ترین، خطرناک ترین و بی ثبات ترین کشور جهان و تهدیدی جدی به ثبات و امنیت منطقه و جهان معرفی میگردد.

حکام فعلی و حامیان ایشان با دیده درآیی نه تنها مسولیت وضعیت کنونی را نمی پذیرند بلکه جامعه جهانی را در زمینه مسوول قلمداد نموده ذهنیت های عامه را تحریک مینمایند و در عین حال این

حاکمان افغانستان در تبنانی با سردمداران ایرانی، پاکستانی، عربی و... به چنان هیاهوی تبلیغاتی دست زده و تشویش خلق نموده اند که گویا افغانستان یک کشور کاملاً اشغال شده میباشد. علناً میگویند: جامعه جهانی در افغانستان اهداف خود را دنبال میکنند و ب فکر افغانستان نیستند؟

بدینترتیب تلاش مذ بوحانه میگردد تا جامعه جهانی را مقصر اصلی این وضعیت معرفی نمایند. عواقب و تاثیرات ناگوار سیکالوژیکی این نوع فعالیت های تبلیغاتی بالای روان مردم آزادی دوست و سلحشور افغان، مردمان منطقه و جهان تاثیر بسا بزرگی وارد مینماید.

باید دانست که هرج و مرج سیاسی نظامی در افغانستان وضعیت نهایت پیچیده و ثبات نسبی منطقه ای ما را به بی ثباتی کشانیده به گسترش تروریسم، افراط گرایی و ناسیونالیسم افراطی مواجه میسازد و اولین ائتلاف، همبستگی و همکاری جهانی (ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریسم) را به بن بست و ناکامی تهدید جدی نموده، عواقب ناگوار را در قبال خواهد داشت.

نتایج بدست آمده و دست آورد های نظام سیاسی مطابق توافقات بن (آلمان- ۲۰۰۱)

قدرتهای بزرگ جهانی با سعی و تلاش همه جانبه در کشور ما به نتایجی هم دست یافتند. قسمیکه بعد از تراژیدی انسانی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقباً با حمله نظامی ایالات متحده امریکا به افغانستان بود که مردم افغانستان از قید قوانین بربریت و از چنگال مرتکبین هزاران جرم و جنایات نا بخشیدنی ضد بشری و ضد ملی رهائی یافتند. با تدویر جلسه بن (آلمان- ۲۰۰۱)، کشور ما به کمک و مساعی جامعه جهانی دوباره هویت بین المللی خویش را بدست آورد. در کشور قانون اساسی دوباره احیا گردید. ادارات دولتی، حکومتی، موسسات خدمات اجتماعی و ادارات واحد های اداری، پارلمان و شورا های ولایتی، مکاتب و موسسات تعلیمی، مطبوعات، مخابرات و قوای امنیتی و

محاکم و... دوباره ولو غیر مشروع، ابتدائی و با داشتن ده ها کمبودی و نواقص، احیا و ده ها سازمان سیاسی، اجتماعی، کلتوری و فرهنگی و ده ها سازمان غیر دولتی و موسسات کمک های اجتماعی و خیریه در کشور فعال گردیدند. بدین ترتیب کشور های بزرگ و قدرتمند جهان و سازمانهای جهانی بخصوص سازمان جمیله ملل متحد هر آنچه میزات یک کشور و نظام سیاسی مدرن است در کشور ما دوباره احیا، تهداب گذاری و یا طرح ریزی نموده اند. نباید فراموش کرد که رسیدن به این دست آورد ها بهای گزاف مادی و معنوی کشور های جهان تا سرحد فدای خون فرزندان شانرا در قبال داشته است که تاریخ معاصر کشور هر زره ای از کمکها، زحمات و هر قطره خون ریخته شده را در خود ثبت نموده و مینماید. فراموش نباید کرد که متباقی وظیفه حاکمان کاذب، تکنوکراتان، سرکرده

گان تنظیم های مسلح و متحدین ماوئیست و هم کیشان شناخته شده ایشان از جمله اعضای ناخلف و جدا شده حزب وطن بودند که باید با استفاده ای متمرکز کمک های بی شایبه جهانی و در کیفیت و موثریت آنها مسئولانه سعی و تلاش مینمودند.

امروز هیچ سیاست مدار متفکر چشم پوشی کرده نمیتواند که در جامعه ما مردم در صدد آن بر آمده اند که سر نوشت خود را بدست اشخاصی بسپارند که فقط آنها را از سلطه حاکمیت موجود رهایی بخشند. جای بسا تاثیر و تاسف است که در بعضی حصص کشور مردم به حاکمیت نیروهای مغایر صفات انسانی- طالبی و نماینده های آنان برتریت قایل میشوند.

علت در چیست ؟

ظلم و ستم، استبداد و بیدادگری اکثر حکام بی کفایت، بی سواد، خدا ناترس و مزدوران دستگاہای استخباراتی کشور های مغرض در مناطق و محلات، که متأسفانه بعضاً از پشتیبانی و حمایت قوت های نظامی خارجی نیز برخوردار اند؛

تقسیمات افغانستان به زون های تحت سلطه و حکمرمائی مافیای سیاسی و اقتصادی، چپاولگران مسلح و اربابان مواد مخدره؛

غارت و غصب املاک و دارایی های عامه اعم از معادن، فابریکات، آثار باستانی و تاریخی، جنگلات و غیره و غیره بعضاً تحت نام شخصی سازی، سرقت دارایی های عامه طبق نسخه های گویا تفکر سیاسی "سیاست بازار آزاد" توسط افراد نزدیک به حاکمیت، چپاول گران، مافیای بانکی و مالی، دزدان و مکاران اسعاری؛

کشت، تولید، ترافیک و قاچاق مواد مخدره، وجود فعال صد ها لابراتوار هیروئین سازی در کشور و عدم بازپرسی قانونی اشخاص و متهمین شناخته شده که مصروف این تجارت میباشند. علاوه برین، وسایل اطلاعات جمعی داخلی و خارجی علناً برخی قوت های ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریسم و قوت های ناتو و کارمندان سازمان جمیل ملل متحد را در این داد و ستد نیز نیدخل می دانند و هستند انجو ها داخلی و خارجی که تحت پوشش فعالیت مختلفه بشری در اصل مصروف این تجارت میباشند؛

اعمال دزدی، قتل، اختطاف، تجارت انسان، تجارت اعضای بدن، قمار، فحشا، برده سازی، وجود زندان های شخصی، اخذ جزیه، عشر و اخذیهای اجباری و قطاع الطریقی گروپ های مسلح بی بندوبار در هر گوشه و کنار وطن؛

- اثرات منفی ناشی از تعدد در مراجع حکمرانی و تصمیم گیری: حکومت، والی یا ولسوال
- دولتی با صلاحیت های محدود، قوماندان مسلح تنظیمی با صلاحیت های وسیع، قوماندان های پروتوکولی با قوت های ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریسم و یا قوت های معاونت به امنیت - ناتو با صلاحیتهای وسیعتر و هستند مناطقی که طالبان و گروه های غیر مسئول و بی بند و بار به مثابه با صلاحیت ترین مرجع بر اهالی آن مناطق حاکمیت مینمایند؛
- اگرچه دستگاه های امنیتی با پسوند ملی مسمی هستند اما در اصل ساختارهای تشکیلاتی ایشان از ماموریت عادی یک حوزه پولیس امنیتی گرفته الی فرقه ها و غند های نظامی به گروپ های مسلح تنظیمی و یا گروه های شخصی سران تنظیم ها و گروپ های مافیائی دولتی مربوط میباشند بجز یک فیصدی ناچیز پرسونل اداری غیر موثر بی صلاحیت؛
- تورم اداری و تشکیلاتی غیرضروری، ناقص، بدون برنامه واستقامت کاری مشخص حکومتی در اکثر واحدهای اداری کشور؛
- عدم ارتباطات سیستماتیک و موثر بین الاداری، عدم درک مسئولیت ها و شناخت حدود مسئولیت ها و صلاحیت های در دستگاه های اداری و واحدهای اداری، عدم درک از ضرورت شناخت و مناسبات کاری متقابلا مفید بین آمرین و مادونان در رده های بالائی حاکمیت، هستند عده کثیری از مسئولین رده های بالائی حاکمیت که از شناخت ولایات و حتی والیان کاملا عاجز بوده و یا به سبب خصومت های بین التنظيمی و ایدیالوژیکی نمیتوانند ارتباطات سالم و موثر کاری را بین هم ایجاد نمایند. باید اضافه نمود که این نقیصه و هرج و مرج اداری در سطوح پایینی حاکمیت بحرانی تر واحد تر میباشد؛
- نا مشخص بودن حدود صلاحیت و مسئولیتهای وزرا، والیان، قوماندانان، سرکرده گان تنظیم های جهادی و... چنانچه هرکدام مانند دوران هرج و مرج سالهای ۱۹۹۲-۲۰۰۱ از موضوعات عادی روزمره اهالی گرفته الی مسایل سیاسی و حتی ایجاد روابط خارجی را در حیطه صلاحیت شخصی، گروهی و تنظیمی خود میپندارند؛
- چشم پوشی و نفی سرحدات حقوقی اداری موجود ولایات و ولسوالی ها از طرف زورمندان و حاکمان دوران هرج و مرج ۱۹۹۲-۲۰۰۱ - متداول بودن تقسیمات کشور که بنا بر زد و خورد های بین التنظيمی از سال ۱۹۹۲ تا اکنون تحت سلطه گروپ های مسلح مختلفه درآمده اند. چنانچه تا امروز هم حاکمیت تنظیمی در اراضی غصب شده محفوظ بوده و اداره امور در این اراضی به اشخاص تنظیمی سپرده شده است، این شیوه حاکمیت حتی در شهر و نواحی کابل بوضاحت دیده می شود؛

عدم وضع تعزیرات و تحریم های سنگین بالای آن عده از سران تنظیمی و یا نزدیکان و اقارب رده های بالائی حاکمیت در صورت نقص و سرکشی از قوانین جاری و تخطی از احکام و اوامر حکومت و دولت؛

عدم همکاری و معاونت نیروهای ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریسم و نیرو های معاونت به امنیت و بازسازی با ادارات دولتی و حکومتی در مرکز و ولایات - برخلاف این دو نیرو قدرتمند نظامی در افغانستان بدون رعایت و احترام و در نظر داشت قوانین جاری و روشهای عنعنوی کشور بنابر گویا ملحوظات مختلف به نصب، حمایت و تمویل مادی اشخاص در کرسی های دولتی و حکومت و موازی با آنها مبادرت می ورزند؛

همکاری نیروهای ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریسم و نیرو های معاونت به امنیت و بازسازی با اشخاص و در بوجود آوردن مراکز همکاری و معلوماتی غیرمسئول و مشکوک در مرکز و ولایات؛

سرقت، سوءاستفاده و حیف و میل ها از کمک ها و وام های خارجی توسط اشخاص نزدیک و خویشاوندان حکام قدرتمند، زورمندان، عده ای از تکنوکراتها ی وارد شده از خارج به افغانستان از طریق ایجاد و تشکیل انجوها داخلی و خارجی در مرکز و ولایات - جای بسا تعجب است قسماً که شنیده میشود نیروهای ائتلاف بین المللی مبارزه علیه تروریسم و نیرو های معاونت به امنیت و بازسازی- ایساف نیز در این نوع اعمال نیدخل میباشند؛ و

در نهایت عدم موجودیت و طرح یک استراتژی معین انکشاف اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و نظامی آینده افغانستان.

اگر چه ظاهراً حاکمیت موجود در خارج از کشور - مانند یک قدرت و حاکمیت شناخته میشود و خصوصاً در مجالس بین المللی و سفر های خارج از نماینده گان دولت، حکومت و نماینده گان مردم استقبال های تشریفاتی بعمل میآید اما در داخل افغانستان همین میزبان ها و حامیان خارجی ایشان اصلاً کدام اهمیت به این اشخاص و ادارات شان قایل نیستند. چنانچه در سراسر دنیا و خصوصاً در کشور های امداد کننده به افغانستان وسایل مختلفه اطلاعات جمعی با پخش مقالات، گزارشات و فلم های مستند از غیرکاری بودن سیستم اداره و رهبری افغانستان، عواقب منفی و خطر ناک انکشاف اوضاع جاری گزارش های هوشدار دهنده میدهند، اما قسمیکه بنظر میرسد اشخاص، موسسات و ارگان های مسئول دولتی و حکومتی افغانستان حتی اشخاص، دستگاه ها و انستیتوت های مشوره دهنده خارجی (مشاورین) آنها این هوشدار ها را نه می شنوند و نه می بینند. برعکس مشاورین

کشورهای امداد کننده هر نوع اقدام نظام را ولو نا عاقبت اندیشانه و غیرمسئولانه و غیر بشری هم باشد بنام پیروزی و دست آورد های دیموکراسی و حاکمیت فعلی در افغانستان انعکاس میدهند؟"

حزب وطن وضعیت نابسامان کنونی کشور را در چند تضاد و گرایش حاکم بر وضعیت اجتماعی مینگرد:

- ❖ تضاد میان منافع ملی با اهداف استراتژیکی کوتاه مدت و دراز مدت دول خارجی در افغانستان؛
- ❖ تضاد میان ضرورت های حاد لایه های آسیب پذیر اجتماعی با خواستهای اقلیت مفسد؛
- ❖ تضاد میان خواست صلح، ثبات، نظم، امنیت و مصنوعیت اجتماعی اکثریت جامعه با خشونت گرایي و افراط گرایي یک اقلیت محدود انارشویست و غیر مسئول؛
- ❖ تضاد میان کلتور و فرهنگ و طرزتفکر تمویل کننده گان و امداد رسان های بین المللی در پیاده نمودن پلانهای قبول شده انسیتیوت های جهانی برای کشور های فقیر و کمترین رشد یافته با نورم ها و ارزش های کلتوری و فرهنگی و سیاسی زندگی اجتماعی افغانها و در عین حال با وضعیت خاص حاد کشور.

در این مقطع تاریخی حزب وطن:

مبارزه قاطع و جدی را در مقابل پلانهای استراتژیست های عاصی و میر غضب که بازی های جدید منطقوی را پیش گرفته اند؛

- ❖ در مقابل کسانیکه صد سال در پی آن بوده اند که چطور افغانان و خصلت های ذات البینی این ملت آزاد، سرکش و اسارت نا پذیر را به زانو در بیآورد؛
- ❖ در مقابل سازمان های مافیائی و قاچاق بران مواد مخدره؛
- ❖ در مقابل آنانکه هم پاشی کشور و حاکمیت ملی مانرا پیشه گرفته اند؛
- ❖ در مقابل شبکه های رنگارنگ مذهبی افراطی؛
- ❖ در مقابل سازمانهای جنایت پیشه سازمان یافته و ترورستی؛
- ❖ در مقابل چپاول گران و دزدان بیت المال؛
- ❖ در مقابل هزاران جواسیس و عمال های استخباراتی کشور های مغرض در افغانستان و...

وظیفه و رسالت ملی، وجدانی و اخلاقی فرد فرد وطن پرست افغان میدانند.

حزب وطن با در نظر داشت ابعاد گسترده بن بست سیاسی، نظامی و اجتماعی موجود در اعمار مجدد یک نظام خوب و شایسته در افغانستان لازم میدانند تا در زمینه های زیرین تلاش همه جانبه بخرچ داده شود:

۱. تهداب گذاری و اعمار انستیتوت های اساسی یک دولت مقتدر و منضبط مرکزی - حاکمیت مواظب، غمخوار اتباع و محافظ قانون - دولت رفاه اجتماعی؛
۲. تهداب گذاری و تشکیل یک سیستم منضبط قوی و پایدار امنیتی (دفاعی، امنیتی و استخباراتی) مرکزی که توانمندی تضمین ثبات عمومی کشور و تأمین قانونیت، امنیت، مصئونیت و دفاع از کشور را دارا باشد؛
۳. احیای منشور رژیم جمهوری مطابق بر قانون اساسی ۱۳۶۹ جمهوری افغانستان؛
۴. محدود ساختن سطح صلاحیت و مسئولیت های قوای ثلاثه حاکمیت مطابق به موادات قانون اساسی ۱۳۶۹ جمهوری افغانستان؛
۵. تضمین حقوق مدنی- سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اتباع - تهداب گذاری یک جامعه رفاه اجتماعی؛
۶. تجدید نظر در تقسیمات جغرافیائی سیاسی و اقتصادی واحد های اداری حاکمیت در افغانستان؛
۷. بلند بردن سطح صلاحیت و مسئولیت ارگان های اداره رهبری حاکمیت به اساس تقسیمات جدید واحد های اداری حاکمیت دولتی؛
۸. با در نظر داشت شرایط موجود در کشور ارتقای سطح صلاحیت الزامی ستره محکمه و قضا در افغانستان - ستره محکمه تضمین اصول عالیه همکاری بین قوای ثلاثه دولت؛
۹. بلند بردن سطح صلاحیت های حقوقی شورای قانون اساسی؛
۱۰. بوجود آوردن فضای تفاهم، همکاری و اعتماد متقابل بین قوای ثلاثه دولت با ارج گذاری و احترام با حدود صلاحیت ها و مسئولیت های هر یک مندرج در قانون اساسی ۱۳۶۹ جمهوری افغانستان؛ - یگانه راه حسن تدویر امور کشور و پیشبرد مرام های ملی میباشد.
۱۱. بوجود آوردن کمسیون های نظارت و کنترل و محاکم اختصاصی با صلاحیت به منظور رسیده گی حقوقی بر فعالیت های ارگانهای رهبری و حاکمیت دولتی؛

۱۲. تجدید نظر و تعدیلات حقوقی در لو ایح وظایف و تشکیلات اداری وزارت خانه ها، غرض بهبود و انسجام هر چه بشتر امور، ارتقای موثریت کار و سرعت عمل، جلوگیری از پراکنده گی، هرج و مرج و تورم اداری؛
۱۳. بوجود آوردن تمام شرایط و امکانات بازگشت آبرومندان و داوطلبانه مهاجرین بالخصوص از کشور های پاکستان و ایران بوطن؛
۱۴. رسیده گی و حل هر چه عاجل سرنوشت فلاکتبار زندانیان افغان در ممالک اجنبی خصوصاً در ایران و پاکستان با استفاده از طرق، شیوه و امکانات های مختلفه حاکمیت ملی.
- حزب وطن براساس نورم و معیارهای شناخته شده بین المللی در تطبیق همه پروژه ها و پلان های عمرانی کشور از پرنسیپ های رهبری خوب که عبارت اند:

- ☞ مشارکت مردم در تصمیمات رهبری؛
- ☞ حاکمیت قانون و مشروعیت؛
- ☞ علنیت و شفافیت؛
- ☞ مسئولیت رهبری در قبال مردم؛
- ☞ اجماع ملی؛
- ☞ تساوی حقوق اتباع- عدالت اجتماعی؛
- ☞ استفاده مفید از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست؛
- ☞ هدفمندی و قاطعیت در عمل؛
- ☞ آموختن و بهبودی دوامدار؛ و
- ☞ حمایت از حقوق بشر، صلح پایدار و فراگیر.

بصورت قاطع و بدون تزلزل مطابق با شرایط خاص زمانی استفاده ای عظیم مینماید.

اهداف نظام سیاسی:

- ☞ حفظ وحدت ملی و مصئونیت تمامیت ارضی؛
- ☞ احیای اعتبار و مقام عنعنوی دولت میان اتباع؛
- ☞ تهداب گذاری زیربنای های اقتصادی کشور؛
- ☞ دفاع از منافع ملی و اعتبار سیاست بیطرفی دایمی افغانستان؛
- ☞ احیای اعتبار بین المللی کشور؛

- ❖ بدست آوردن داشته های مادی و معنوی ر بوده شده مملکت و مردم توسط افراد و سازمانها؛
- ❖ رفع بحران اعتماد بین اتباع؛
- ❖ رشد متوازن تمام واحدهای اداری کشور؛
- ❖ محو فقر سراسری و تأمین دسترسی اتباع به ضرورت‌های اولیه زندگی؛
- ❖ مبارزه قاطعانه علیه هر نوع مظالم اجتماعی؛
- ❖ رسیدن به تهداب گذاری به اساسات انستیتوت های یک جامعه رفاه اجتماعی.

بمنظور فهم ارزش های مرحله جدید تکاملی بشری - روند کیفی جدید جهانی- بیداری و رشد سریع پروسه جدید دموکراسی - مبارزه بخاطر تأمین عدالت اجتماعی امروز در کشور های جهان، حزب وطن همه جانبه سعی و تلاش می نماید تا درنخستین قدم بخاطر رسیدن به اهداف مطروحه خویش به تاسیس شورای دولتی (ارگان مشورتی) - بنابر ضرورت حاد به منظور مستحکم ساختن و پایدار نمودن ارتباطات عمودی و افقی حاکمیت مرکزی اقدام می نماید.

پروسه مصالحه ملی، ثبات وامنیت، حکومتداری خوب، انکشاف اجتماعی-اقتصادی متوازن و همکاری، هماهنگی و همبستگی واحدهای اداری کشور- اولویت های حاکمیت را در مشوره با شورای دولتی تنظیم مینماید.

حزب وطن از فرزندان با حساس و رسالت مند وطن آرزو میبرد که در این روز های دشوار از بغض، کینه، عداوت و انتقام گیری دست برداشته و زمینه های اتحاد نیرو های سازنده و خدمتگذار مردم و وطن را تأمین، اعتماد ملی را توسعه وتحکیم بخشیده و زمینه های کار و مساعی مشترک را در تهداب گذاری و اعمار یک نظام سیاسی جدید - دولت رفاه اجتماعی جستجو نموده، خود و مردم شریف مانرا کمک و افتخار ملی را نصیب شوند.

برای ایفای وظیفه سترگ ملی- خدمت بوطن و هموعان به لیاقت و کفایت مزید و عقل سلیم ضرورت است تا با استفاده موثر از امکانات و قابلیت های دست داشته و جلب کمک ها وهمکاریهای هر چه بشتر جامعه جهانی حاکمیت آینده در افغانستان در خصوص اعمار و تهداب گذاری یک نظام سیاسی پایدار و یک سیستم اقتصادی-اجتماعی پذیرفته شده، کاری وسازنده مطابق به شرایط عینی جهانی باید علمی، مبتکرانه، مسئولانه و نهایت محتاطانه برخورد شود.

در عرصه سیاست اقتصادی

به اثر جنگ های طولانی در کشور عرصه اقتصاد بیشتر صدمه دیده، تداوم جنگ به کشور و وضعیت زنده گی مردم حالت بخصوص و استثنایی بخشیده است؛ اکثریت ساختار های زیربنایی و روبنایی اقتصادی تخریب گردیده، تناسب و هماهنگی میان سکتور های مختلف اقتصادی برهم خورده و جریان انکشاف با رکود مواجه میباشد.

در جامعه عمق، نابرابری و شکاف بزرگ میان اکثریت فقیر جامعه و یکعده ای انگشت شماری ثروتمند ایجاد شده و کمیت افراد متوسط الحال جامعه به کمترین رقم خود رسیده است؛ مردم روز تا روز توان و قدرت حد اقل تامین مصارفات شبانه روزی- خوراک، پوشاک، سرپناه و یا به عبارت دیگر ضروریات اولیه زندگی را از دست میدهند. جامعه با بیکاری و فقر مطلق اقتصادی دست و گریبان بوده، Human Development Index در سطح نهایت نازل قرار داشته و Gini Index به یک یعنی نا برابری مطلق تقرب نموده است.

باید اذعان داشت که افغانستان با داشتن منابع، ظرفیت ها و امکانات چون: نیروی انسانی جوان، داشتن نیروی مولده با تجربه و مهارتهای عنعنوی تولیدی، ذخایر غنی مواد و پیداوار معدنی فلزی، غیر فلزی، مواد مفیده و کمیاب، سنگها و منرال های قیمتی، ذخایر نفت، گاز، زغال سنگ و ... ، همچنان در اختیار داشتن سرچشمه های آب، داشتن موقعیت مناسب ترازیتی جغرافیائی و در شرایط خاص کنونی که از حمایت همه جانبه کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان، سازمانها و انستیتوهای معتبر تحقیقاتی و تحلیلی جهانی نیز برخوردار میباشد به یقین کامل گفته میتوانیم که از امکانات وسیع برای بیرون رفت از حالت کنونی اقتصادی را دارا میباشد.

حزب وطن در اهداف پروگرامی انکشاف اقتصادی خویش جلوگیری از به هدر رفتن مقادیر قابل ملاحظه آب های جاری کشورمان و تنظیم یک سیاست سالم و دور اندیشانه ملی آب را وظیفه خطیر خود می شمارد. زیرا از یکطرف تغییرات فاحش اقلیمی و ایکالوژیکی سبب کاهش منابع آب شیرین و نوشیدنی گردیده از طرف دیگر افزایش نفوس و استفاده از آب در سکتور صنعتی در منطقه مان باعث از رشمندی روز افزون منابع آبی گردیده و خطر وقوع منازعه و تقابلات بالای منابع آبی را زیاد ساخته است. حزب وطن برای تدوین سیاست ملی تسلط بر منابع آبی کشور، اداره و بهره برداری موثر از آبهای جاری، حفظ محیط زیست، ارتقای کیفیت زمین و کاهش خسارات ناشی از خشک سالی های متواتر، سعی جدی بعمل می آورد. بناً در پروگرام رشد و انکشاف اقتصادی حزب

وطن، آب به عنوان یکی از منابع حیاتی در متحول ساختن حیات اقتصادی، سیاسی - اجتماعی کشور از ارزشمندی خاص برخوردار است.

حزب وطن با توجه به موقعیت حساس جغرافیائی کشور ما سرمایه گذاری های بزرگ و وسیع در ایجاد و ساخت زیربنائی راه ها و تجهیزات ارتباطات ترانسپورتی ترانزیتی را یکی از ضرورت های حیاتی رشد و تکامل اقتصادی کشور میپندارد؛ حزب وطن عقیده دارد که ساختمان راه ها، تجهیزات و خدمات ترانسپورتی و مواصلاتی استند رد با شرایط لازم و مدرن، کشورمان را به یک منطقه مهم و چهاراهی استراتژیک تجاری بین آسیای میانه و آسیای جنوبی و همچنین مناطق غرب و شرق آسیا مبدل میسازد. حزب وطن میکوشد ظرفیت های ترانزیتی کشورمان را به عنوان اقتصادی ترین، با امن ترین و کوتاه ترین راه ترانزیتی در منطقه بلند برده و بخاطر ارتقای سطح کیفی عرضه خدمات استندرد ترانزیتی خواهان همکاریهای مشورتی، علمی و تخنیکی با سازمانهای بین المللی بخصوص TIR System Transports Internationaux Routiers (International Road Transport) میباید.

در اهداف پروگرامی رشد و انکشاف اقتصادی حزب وطن بهره داری موثر از ذخایر غنی آهن، مس، سرب، لاجورد، طلا، اورانیوم، لیتیم و نیوبیم کشور که حیثیت ستون فقرات اقتصادی دولت رفاه اجتماعی را تشکیل میدهد. حزب وطن با توجه به پیشرفت روز افزون صنعت و تکنالوژی در سطح منطقه و جهان و احتیاج بیش از پیش کشور ما به مواد خام مختلفه معدنی تلاش میورزد که مملکت ما به یکی از جمله مهمترین مراکز استخراج و صادر کننده منرال ها و مواد کمیاب معدنی در جهان مبدل گردد.

حزب وطن با داشتن تجارب غنی رهبری جامعه در گذشته و برخوردار بودن از دید گاهها و بر خورد های جدید جهان در عرصه رشد و انکشاف اقتصادی، مسولیت پذیری ملی، نقش فعال دولت و حکومت داری خوب را برای تغییر کیفی استراتژی تکامل و رشد آزاد و هماهنگ همه عرصه ها اقتصادی موثر میپندارد. و باورمند است که پالیسی ها و تشبثات کیفی دولت که متضمن منافع فقیرترین و آسیب پذیرترین افراد جامعه باشد با رونق و تکامل اقتصادی جامعه در تعارض نبوده بلکه در شرایط کشور ما یک ضرورت عینی میباید.

چون بیکاری و فقر اساسی ترین معضل جامعه ما را که حیات بیشتر از ۸۰% مردم وابسته به زراعت، باغداری، مالداری و دامپروری میباید تشکیل میدهد. حزب وطن طرح و تحقق یک پروگرام جامع و علماً تنظیم شده ای رشد و انکشاف سریع intensive اقتصاد زراعتی- صنعتی را

برای تهداب گذاری، انکشاف و رشد سریع اقتصادی اجتماعی کشور محاط به خشکه ما را به هدف رسیدن به اساسات دولت رفاه اجتماعی میداند.

حزب وطن محو فقر و افزایش قدرت خرید مردم را هدف قرار داده برای فراهم سازی شرایط آبرومندانانه زندگی مردم برنامه های خاص کاریابی، اشتغال و معیشت را با ارجعیت بخشی به استفاده مناسب و موثر از امکانات داخلی و انکشاف آن با استفاده از شیوه ها و تکنالوژی معاصر جهانی عملی مینماید.

حزب وطن در تحقق سیاست اقتصادی اش از اصول آتی پیروی مینماید:

- ❖ مسئولیت پذیری ملی، نقش فعال دولت و حکومت داری خوب با در نظر داشت رشد مناسب سکتور دولتی، خصوصی و مختلط اقتصادی از طریق رقابت سالم و آزاد؛
- ❖ تشخیص اولیت ها و طرح پلاتفورم های مشخص در روند رشد، توسعه و رونق اقتصاد پایدار، عادلانه، متوازن و تدریجی؛
- ❖ هماهنگی با اهداف توافق شده بین المللی، استفاده حد اعظم از پلانهای انکشافی ملل متحد؛ شعبات رشتوی و منطقوی آن سازمان؛ استراتیژی های جامعه اروپا؛ مشاورت و توصیه های صندوق اسعار بین المللی، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و بانک انکشاف آسیایی برای کشور های کمترین رشد یافته؛
- ❖ جلب حمایت های مالی و فنی بهتر و تاکید بر نوآوری های تکنولوژیک و جذب تکنولوژی معاصر؛
- ❖ تحقق دموکراسی، تامین و تضمین شفافیت و محو فساد در امور اداره اقتصادی از طریق مشارکت فعال پارلمان، جوامع مدنی و شعبات تفتش، نظارت و کنترل؛ و
- ❖ بلند بردن توانمندی زنان و ارتقای نقش آنها در کلیه عرصه های اقتصاد ی.

به نظر حزب وطن پیروی از چنین یک اصول انکشاف اقتصادی باعث تغییر کیفی در زندگی مردم، متحرک گردیدن جامعه، محو فقر و تقویت پروسه انسجام، مشارکت و همبستگی اجتماعی برای برقراری صلح، تامین ثبات، امنیت اجتماعی و تکامل جامعه میگردد.

اهداف عمده و اساسی سیاست اقتصادی:

حزب وطن داشتن ملکیت دولتی و تنوع در ملکیت را در روند رشد و تکامل، دارای ارزش و مقام شایسته ای اقتصادی پنداشته، در این راستا تحقق پالیسی های حمایتی مالی، حقوقی و اداری برای

تشویق و تقویت هرچه مصنون تر و مؤثر تر کار و فعالیت متشبثین ملی، سرمایه گذاران خصوصی داخلی و خارجی را تضمین مینماید. بناً:

۱. ثبت و راجستر قانونی و حقوقی تمام اشکال مالکیت اعم از دولتی، مختلط، خصوصی و کوپراتیوی را از اولیت های کاری خود میپندارد؛
۲. احیا و بوجود آوردن سیستم موثر احصائیوی تمام ظرفیت های مادی و معنوی کشور و در گام نخست نفوس شماری دقیق، تثبیت هویت و سایر شاخص های دیموگرافی اتباع؛
۳. با در نظر داشت شرایط خاص کنونی کشور حمایت از انحصار دولت بر منابع طبیعی و تأمین مسئولیت آنها، رسیده گی قانونی به استرداد ملکیت های چور و چپاول و غصب شده دولتی- بیت المال و ملکیت های شخصی
۴. احیا، باز سازی و احداث تاسیسات و تجهیزات زیربنایی؛ خطوط مواصلات و ترانسپورت، شبکه های آبیاری و برق، ادارات و ساختمان های عامه المنفعه؛
۵. احیا و تقویت سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی با ارجعیت بخشی به تربیت کادر ملی و جذب متخصصین خارجی به منظور ارتقای ظرفیت های ملی؛
۶. احیا و بوجود آوردن اساس برنامه ای مدرنیزه ساختن سیستم مالی، ایجاد سیستم بانک مرکزی، انکشاف و توسعه سیستم عرضه خدمات بانکی و پولی معاصر، کنترل جدی از دوران پول افغانی بخاطر استفاده از فرصت های مناسب برای فعالیت های موثر و همه جانبه سکتور های مختلفه اقتصادی و تامین هماهنگی میان آنها، بر طبق مراحل خاص احیا، باز سازی و گزار بسوی شیوه ها و مدل های انکشافی جدید اقتصادی؛
۷. بوجود آوردن سیستم های متنوع بیمه های مالی؛
۸. بوجود آوردن سیستم تضمینات دولتی و بیمه های اجتماعی؛
۹. کار و فعالیت همه جانبه برای رسیدن به اهداف هشتگانه انکشافی جهانی Millennium Development Goals ۲۰۰۰-۲۰۱۵؛
۱۰. تأسیس یک یا دو زون تجارت آزاد در کشور بنابر ضرورت عینی؛
۱۱. احیا، رشد و انکشاف صنعت توریزم و سیاحت.

اولویت های انکشاف اقتصادی:

❧ احیای، باز سازی و جذاب ساختن قرا و قصبات، آبادی زمین های بایر و ساختمان شهرک ها و قریه جات جدید و مدرن؛

- ✍️ تامین روابط افقی اقتصادی میان واحد های مختلف اداری کشور؛
- ✍️ تاسیس ادارات عرضه های خدماتی و حمایتی؛
- ✍️ بوجود آوردن مارکیت های جدید و تنظیم اقتصاد کوچی ها؛
- ✍️ حفظ و توسعه علفچرها، جنگلات، بته ها و گیاهان طبی که دارای ارزش اقتصادی میباشند؛
- ✍️ عرضه خدمات اگر و تخنیک، و ترنری، تخم های اصلاح شده بذری، ماشین آلات و تکنالوژی مدرن جهت انکشاف و عصری سازی تولیدات زراعتی- صنعتی؛
- ✍️ بوجود آوردن انستیتوت تعلیمی و تربیتی مسلکی تحقیقاتی زراعتی و مالداری، تدویر کورس های آموزشی و تربیتی مسلکی کوتاه مدت، احداث فارمها تحقیقاتی، ایجاد شبکه های تبلیغاتی و اطلاعاتی، فراهم آوردن زمینه های مساعد استفاد ه از انترنیت بین جوانان درشهر ها و دهات؛
- ✍️ وضع نمودن نورمهای متنوع و مترقی مالیاتی، تاسیس سیستم سالم مرکزی جمع آوری مالیات بر عایدات.

حزب وطن باور دارد که به یاری و مدد خالق متعال و به حمایت مردم رنج دیده کشور و با کار و فعالیت اعضای مجرب حزب وطن با تطبیق پروگرام اقتصادی فوق میتواند وضعیت اقتصادی کشور و مردم افغانستان را بصورت اساسی تغییر داده زمینه رفاه اجتماعی و اعتلای وطن را به مدارج عالی ترقی و پیشرفت مساعد سازد.

در عرصه سیاست اجتماعی

کشور و جامعه مان در شرایط خاصی اجتماعی کشانیده شده است. اکثریت اتباع کشور باتمام ظرفیت ها و ثروتهای معنوی، مادی و طبیعی شان در فقر، مرض، وحشت و سردرگمی کامل یعنی وضع اسفناک اجتماعی بسر میبرند. وضعیت و ساختارهای اجتماعی افغانستان حکم میکند که نورمها و قوانین حاکم بر جامعه را تشخیص داد و محیط اجتماعی را انسانی ساخت. زیرا انسان عنصر عمده تحولات اجتماعی است و تحولات اجتماعی باعث تحولات کیفی در اقتصاد، سیاست، کلتور و فرهنگ جامعه میگردد. حزب وطن میکوشد تا اساسات ساختار اجتماعی و مناسبات اجتماعی جامعه رفاه اجتماعی- دسترسی انسان وطن به خدمات اولیه اجتماعی و وسایل رفاه اجتماعی را در کشور توسط یک سیاست عادلانه و بشر دوستانه که نیازمند یک دولت منضبط، نیرومند و متمرکز میباشد، تهادب گذاری نماید که تغییرات بنیادی را در زنده گی اکثریت اتباع کشور در جهت رفاه اجتماعی ببار

بیآورد. زیرا خوشبختی انسان وطن و امنیت اجتماعی فرد فرد وطن محور تماماً برنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حزب وطن را تشکیل میدهد.

اولویت های سیاست اجتماعی

- ☞ تساوی حقوقی دسترسی اتباع به خدمات اجتماعی در شهرها و دهات؛
- ☞ تهداب گزاری اساسات قانونی کیفیت زندگی مرفه- بهبود شرایط زنده گی و مسکن، بهبود وضعیت و شرایط کار و اشتغال، صحت عامه، حفظ الصحه و محیط سالم؛
- ☞ شهر سازی قراوقصبات، و اراضی دور افتاده کشور؛
- ☞ بوجود آوردن بیمه های مختلف خدمات اجتماعی؛
- ☞ مسائل تنظیم و پلان گزاری خانواده؛
- ☞ مواظبت از معیوبین، معلولین و مریضان روانی؛
- ☞ حمایت از خانمان بیوه و اطفال نان آور خانه؛
- ☞ تنظیم زنده گی اطفال و نوجوانان آواره؛
- ☞ رسیده گی عاجل به معتادین؛
- ☞ حمایه طفل و مادر؛
- ☞ حمایت از موسفیدان و سرسفیدان؛
- ☞ بوجود آوردن فضای همدری، معاونت و وحدت اجتماعی؛ و
- ☞ حفاظت محیط زیست و ایکالوژی.

اهداف سیاست اجتماعی

تا جائیکه کشور ما امروز یکی از جمله ای عقب مانده ترین کشور های کمترین رشد یافته جهان بشمار میرود؛ و تا جائیکه دولت افغانستان یکی از بیکاره ترین و مفسد ترین دولت در جهان میباشد؛ و تا جائیکه اکثریت مطلق اتباع کشور آسیب پذیران اجتماع را تشکیل میدهند؛ تا جائیکه ۹۹ فیصد اتباع کشور از حد اقل خدمات و حمایت های اجتماعی دولتی برخوردار نیست؛ و تا جائیکه نظر به تحقیقات بین المللی شاخص های رشد انسانی- Human Development Index کشور ما عقب مانده ترین کشور در روی جهان بشمار میرود- از لحاظ صحت و طول عمر، دسترسی به تعلیم و تربیه، علم و معرفت و سطح زنده گی مناسب، کشور ما پائین ترین سطح را حتی در منطقه دارد.

حزب وطن میکوشد در پهلوی اهداف هشت گانه انکشاف جهانی سازمان جمیله ملل متحد سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

United Nations Millennium Development Goal که عبارتند از:

۱. امحای فقر شدید و گرسنگی؛
۲. دسترسی همگانی به تعلیمات ابتدایی؛
۳. ارتقای تساوی جنسیت - Gender equality و توانمندی زنان؛
۴. کاهش مرگ و میر اطفال؛
۵. بهبود شرایط صحتی مادران؛
۶. مبارزه با امراض- ایدز، مالاریا، توبرکلوز و دیگر بیماری های کشنده؛
۷. تأمین محیط زیست پایدار؛
۸. گسترش مشارکت جهانی برای رسیدن به رشد و انکشاف؛

میباشد. اهداف ذیل را برای رشد و تکامل اجتماعی کشور حیاتی می‌شمارد:

- تأمین ثبات و تحکیم امنیت؛
- تغییرات بنیادی و عدالت در مناسبات اجتماعی - بوجود آوردن سیستم منصفانه و عادلانه اجتماعی؛
- تهداب گزاری اساسات "قرارداد های اجتماعی"- تغییرات کیفی جدید در سیستم مناسبات اجتماعی؛
- رفع تضاد های اجتماعی مطابق به قانون، بشکل مسالمت آمیز و بدون خشونت؛
- جولوگیری از برخورد های اجتماعی، احیای مناسبات پسندیده ای اجتماعی عنعنوی مردم مان؛
- محو بی عدالتی های حاد اجتماعی؛
- رفع بحران اخلاق و فقر فرهنگی اجتماعی؛
- محو بی سوادی جوانان بالاتر از سن ۲۰ سال، نفاق و تبعیض اجتماعی؛
- تضمین قانونی و مصئونیت آزادی های فردی و اجتماعی؛
- رفع نامیدی به سرنوشت و فردای جامعه؛ و

دفع و طرد امراض مدهشی زنده گی اجتماعی- جهالت پرستی، عقب گرائی و دوری جستن از تحولات اجتماعی، تقابل با دانش و تجارب علمی و... که دامنگیر اجتماع مان از سال ۱۹۹۲ بدین سوی شده را در بر میگیرد.

پرنسیب های سیاست اجتماعی

۱. رعایت حقوق بشر و احترام به کرامت انسانی؛
۲. قانونیت و احترام به نورم و ارزش های پسندیده مناسبات اجتماعی؛
۳. مسئولیت پذیری دولت، سازمان های اجتماعی و فرد فردی اجتماع؛
۴. هماهنگی و توازن منافع اجتماعی و رفاه همگانی؛
۵. قاطعیت در رهبری و شایستگی دولت و سازمانهای سیاسی و اجتماعی در عمل؛
۶. کنترل و بازخواست شدید دولت از حکومت و سازمان های اجتماعی؛
۷. اطاعت از تفاهم اجتماعی؛
۸. تنبه و عبرت؛ و
۹. مکافات.

کلتور و فرهنگ اجتماعی

نورم ها و ارزش های کلتوری و فرهنگی باستانی ملت مان انعکاس دهنده ای عنعنات و رسوم، انساندوستی و اعتقادات مذهبی مردم مان میباشد. نورم ها و ارزشهای کلتوری مان نیروی محرك رشد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور بوده و ملت ما در طول تاریخ سیاسی خویش همیشه در مقابل پدیده های جدید سیاسی، اجتماعی و کلتوری و فرهنگی بشری تولیدات بوده و حتی در آمیزش و آمیختن فرهنگ های پسندیده بیگانه با فرهنگ باستانی و ملی مان کوشیده اند. معنویات مسلط جامعه مان از ظرفیت های عظیمی برخوردار است. بناً حزب وطن میکوشد:

- د) رشد استعداد های ادبی، هنری و کلتوری؛
- د) ایجاد انستیتوت های حمایتی و تشویقی ادبی، کلتوری و فرهنگی؛
- د) ایجاد انستیتوت های مدرن آموزشی، کلوپ ها و مراکز کلتوری و فرهنگی؛
- د) ایجاد شبکه سینما ها، تیاترها، کتابخانه ها و سالون های ادبی و هنری؛

تشویق نو جوانان و جوانان به مصروفیت های کلتوری و هنری (موسیقی، شعر و ادب، سینماتوگرافی و تیاتر، هنر- نقاشی، رسامی، خطاطی، میناتور، حکاکی، مجسمه سازی و...)

احیای شبکه موزیم ها و ایجاد موزیم ها در ولایات؛

احیای آرشیف های اسناد، کتب و آثارخطی و ایجاد آرشیف های جدید مطالعه و حفظ آثار تاریخی، کلتوری و فرهنگی ملت ما؛

رشد و توسعه وسایل مختلفه اطلاعات جمعی- بالاخص دسترسی به تکنالوژی مطبوعات، ارتباطات معلومات و سمعی و تصویری الکترونیک و انترنت؛

احیای مناسبات کلتوری و فرهنگی با ملل جهان- آشنائی اتباع کشور با ارزش های کلتوری و فرهنگی جهانی.

تربیت بدنی، ورزش و تفریح

حزب وطن با اعتقاد بر گفتاری بزرگ که "عقل سلیم در بدن سالم" میباشد، توجه دایمی به امر رشد تربیت بدنی و ورزش و جلب کتله های وسیع نوجوانان و جوانان به ورزش بمنظور مساعدت به رشد جسمی و اخلاقی این نسل بالنده کشور معطوف میدارد و همچنان تلاش عاجل مینماید به:

تعمیر و احیای محلات ورزشی، تفریگاه ها و مناطق سیاحت؛

ایجاد امکانات و تشویق حمایتی از سرگرمیها و ورزش های فلکلور و باستانی کشور؛

ایجاد جمنازیم ها، استدیوم ها و کلوب های سپورتی؛

پشتیبانی و حمایت مالی نو جوانان و جوانان که مشغول به ورزش و تربیه بدنی میشوند؛

ایجاد انستیتوت های مسلکی ورزش و تربیت بدنی؛ و

تشویق و کمک های حمایتی ورزشکاران مسلکی و استعداد های ورزشی.

حزب وطن متیقن است تا آنکه ما خود افغانهای روشنفکر و وطنپرست علوم مدرن اجتماعی و جامعه شناسی را فرانگیریم و از تجارب، اندیشه ها، ساختار ها و انستیتوت های اجتماعی کشور های متمدن و پیشرفته جهان نیاموزیم، موقعیت جغرافیائی کشور و خصلت ذاتی ملت خود را که: افغانستان- چهار راه فرهنگها و تجارت، حلقه عمده وصل، همزیستی، همکاری، پذیرش اندیشه ها و مناسبات نوین اجتماعی و مهد آمیزش، بهره گیری و پخش تمدنهای بزرگ تاریخ کهن بشریت بوده است را، فراموش کنیم و شرایط را برای تکامل استعداد های خلاق ملت مساعد نسازیم و تماماً انستیتوت دولتی،

سیاسی، اجتماعی و کلتوری و فرهنگی دست بدست، همگام و با تفاهم با هم به میدانهای مبارزه بخاطر برقراری امنیت و عدالت اجتماعی و بخاطر انسان وطن و ایجاد اساسات

زنده گی آبرومندانه پر از سعادت و رفاه ملت خود سعی و تلاش ننماییم، مظالم اجتماعی، خرافات اجتماعی، بی عدالتی های اجتماعی، فقر و بی فرهنگی اجتماعی و... در کشور مان جاویدان خواهد ماند.

در عرصه سیاست خارجی

کشور ما افغانستان با داشتن موقعیت جغرافیائی حساس جیوپولیتیک و جیوایکانومیک خویش در تمدنی اعصار تاریخ مورد توجه قدرت های بزرگ جهانی قرار داشته است. اگر این خطه در گذشته ها معبر امپراطورها و جهان گشایان بوده است و یا هم میدان درگیری بازی بزرگ و یا در گذشته نچندان دور در محراق میدان زور آزمائی دول درگیر جنگ سرد قرار داشت و یا هم اگر اکنون در محراق ائتلاف جهانی مبارزه علیه تروریسم قرار دارد ناشی از ویژگی ها و ممیزات این خطه چون چهار راه (چهار حوزه جغرافیائی) میباشد.

تعارض منافع جیواستراتژیکی و تقابلات جیوپولیتیک دول خارجی به هدف تسلط بر همین چهارراه سبب گردیده است تا کشور ما بکرات به میدان جنگ اجنبیان مبدل گردد که شورش ها، ناامنی ها و بی ثباتی در وضعیت داخلی افغانستان را نیز در قبال داشته است که بالاخر آن ابعاد گوناگون حاکمیت ملی مان تضعیف گردیده است.

حزب وطن برای حراست از منافع عموم مردم افغانستان و مصالح علیای کشور اساس سیاست پایدار خارجی حزب را با توجه به تجارب تاریخی و با در نظر داشت قدرت حاکمیت ملی، موقف حساس جغرافیایی کشور و اقتضات ناشی از شکل گیری اوضاع و شرایط جدید در کشور، منطقه و جهان بر اصل واقعبینی سیاسی اساس گذاشته بر این باور است که رفتار دولت افغانستان در روابط بین المللی با اتخاذ سیاست حفظ قدرت سیاسی حاکمیت از طریق برگشت به موقف سیاسی کشور در سالهای جنگ دوم جهانی تا قبل از درگیری جنگ سرد و برسمیت شناختن موقف بی طرفی دایمی عام و تام کشور مان ذریعه شورای امنیت سازمان ملل متحد میتواند به بهترین وجه منافع ملی ما را تأمین و تضمین کند.

حزب وطن بر اساس مرزبندی های جغرافیایی متعارف افغانستان برای حفظ یکپارچگی تمامیت ارضی کشور، حفظ جان مردم، مواظبت و حراست از استقلال کشور، برقراری صلح و ثبات و تأمین

مصنوعیت پایدار افغانستان، استوار ساختن نظام سیاسی اجتماعی و سر انجام تحقق انتظارات و خواسته های کافه ملت برای زندگی بهتر و مرفه تر سیاست معرکه زدایی (یعنی تبدیلی میدان جنگ و انتقام گیری به محل همبستگی و همکاری متکی بر اصل رد جنگ و خشونت به عنوان راه حل مشکلات) را چون اساس سیاسی بنیادی و استراتژیک حزب قرار داده به اصول اساسی آتی پابند میباید:

﴿ پابندی به سیاست بیطرفی دایمی عام و تام؛

﴿ حفظ و تقویت قدرت حاکمیت ملی؛

﴿ رعایت تعادل و توزان در گسترش و انکشاف روابط با کشورهای مقتدر جهان و دول همسایه.

حزب وطن برای ایجاد فرصتها و زمینه های مطمئن حقوقی که لازمه تحقق مشی استراتژیک معرکه زدایی میباید، پیشنهادات آتی را در سطح بین المللی مطرح مینماید:

۱. شناخت افغانستان منحصیث يك کشور بیطرف دایمی عام و تام در سیاست خارجی توسط شورای

امنیت سازمان جمیله ملل متحد، حسب مندرجات درخواست افغانستان به عضویت سازمان

جمیله ملل متحد در سال ۱۹۴۶؛

۲. اخذ تضمینات از کشورهای همسایه افغانستان برای احترامگذاری به تمامیت ارضی، استقلال

و حاکمیت ملی کشور مان؛

۳. تسجیل موقف بیطرفی دایمی و تضمینات ناشی در اسناد حقوقی آن سازمان؛

۴. برنامه ریزی حضور مشروع قوتهای بین المللی معاونت به صلح (ایساف) و نیروهای ائتلاف

بین المللی جهت تحکیم اعتبار و مصونیت موقف سیاسی جدید افغانستان - منحصیث یک کشور

بیطرف دایمی الی:

﴿ ختم مداخلات مغرضانه دول خارجی در امور داخلی کشور ما و احترام گذاری بلا

قید و شرط آنها به موقف جدید- بیطرفی دایمی افغانستان؛

﴿ قادر شدن و توانمندی نیروهای امنیتی کشور در امر حفاظت و دفاع از تمامیت

ارضی و بالاخص درستتر کامل سرحدات افغانستان با کشورهای پاکستان و ایران،

تأمین امنیت ملی، نظم عامه و حفظ صلح و ثبات دایمی در کشور؛

﴿ ختم معضله ناشی از حضور و فعالیت افراد، گروه ها و سازمانهای افراط گرا و

جنایت پیشه بخصوص اجنبی ها، باند های بزرگ مافیائی، جنگسالاران و گروه های

مسلح بی بندو بار داخلی در کشور ما؛

موقف جدید میطلبد که افغانستان باید عملاً به محل همکاری و همبستگی بین المللی برای حفظ و استحکام مبانی صلح، امنیت و تحکیم روابط مبتنی بر حقوق بشر مبدل گردد. به این منظور شورای امنیت سازمان جمیله ملل متحد سعی به عمل آورد تا افغانستان را میزبان دائمی یک و یا چند دیپارتمنت منطوقی کمسیون سازمان جمیله ملل متحد برای کشور های آسیا و اقیانوس آرام (اسکاپ-ESCAP) مبدل سازد.

حزب وطن در حالیکه کنوانسیون ها و قرارداد های دو جانبه و یا هم چند جانبه کشور مان را با سایر دول و سازمان های جهانی به دیده قدر میبیند اما خود را مکلف به آن سلسله تعهدات انجام داده شده نمیپندارد که با موقف جدید افغانستان - بیطرفی دائمی در تضاد باشد.

حزب وطن بنا بر علایق و روابط کلتوری و تاریخی افغانها با مردم پشتون و بلوچ در آن طرف خط دیورند حمایت و پشتیبانی از حق خود ارادیت در تعیین سرنوشت شان را، مربوط به اراده و تصمیم کافه مردم افغانستان میداند؛

حزب وطن خواستار تأمین روابط با کشور های خارجی و بالاخص دول اسلامی صرفاً بر محور صلح، انکشاف و ترقی اجتماعی متقابلاً مفید میباشد؛

حزب وطن بهدف تحکیم موقف جدید بیطرفی دائمی کشور مان، داشتن استقلالیت در انتخاب، ایجاد و گسترش مناسبات دوستانه در روابط بین المللی را حق مسلم مردم افغانستان میداند.

حزب وطن تحقق سیاست فوق را که در مطابقت کامل با منافع ملی کشور مان میباشد یگانه راه ممکن برای نجات وطن از بحران فعلی و حراست از ارزش های مادی و معنوی کشورمان در برابر تجاوز، دست درازی و زیاده خواهی سایر ملل و الهام بخش اعمار یک نظام ملی در افغانستان میپندارد و باور دارد که در چوکات این سیاست و با یک دیپلوماسی متحرک و فعال میتوان به یک اساس دائمی برای رشد و انکشاف ملی کشور مان از طریق ایجاد عرصه های جدید سیاسی، اقتصادی و کلتوری مناسب برای تفاهم، همبستگی و همکاری بین المللی در این جغرافیائی پر تشنج دست یافت.